

پایان نامه کارشناسی ارشد

تبیین فطرت از دیدگاه آیت الله جوادی آملی

استاد راهنما:

استاد مشاور:

نویسنده:

نرگس مظلومی

تاریخ نگارش:

چکیده:

دانش‌های متأثر از نظریه فطرت:

۱. ذات‌گرایی: تقریری از نظریه ذات‌گرایی در خصوص انسان قلمداد می‌کنند. نظریه ذات‌گرایی ارسطو از مبانی نظریه فطرت محسوب می‌شود.
۲. هستی‌شناسی: (مثل افلاطونی) می‌توان اعتقاد به یادآوری و التزام در افلاطون را مربوط به مقوله فطرت دانست.
۳. خداشناسی: بسیاری فطرت را خداشناس یا خداگرا یا هر دو می‌دانند. این مطلب در نظریات صدرالمتألهین، علامه طباطبایی و استاد شهید مطهری به وفور یافت می‌شود.
۴. معادشناسی: برخی معادشناسی را فطری می‌دانند. به معنی وجود گرایش فطری به زندگی جاودانه در نهاد انسان و لغو نبودن این گرایش فطری در انسان.
۵. انسان‌شناسی: این نظریه با ایده‌ای که در باب گرایش‌های متعالی فطری در وجود انسان ارائه می‌دهد بعنوان رقیبی برای دیدگاه‌های انسان‌شناختی اگزیستانسیالیست‌ها تلقی می‌شود که انسان را فاقد هیچ‌گونه نقشه قبلی می‌داند. و معتقد است انسان با انتخاب آزادانه خود ذات خود را می‌سازد.
۶. فلسفه دین: پاسخی به منشاء دین بر مبنای فطرت اصل اعتقاد به خدا و خداباوری است.
۷. معرفت‌شناسی: اختلافات دو مکتب اصلی (عقل‌گرایی و تجربه‌گرایی) در این دانش راجع است.
۸. روان‌شناسی: بحث مهمی است که سه عامل وراثت، محیط طبیعی و محیط اجتماعی و میزان

تأثیرگذاری آن‌ها بر انسان مباحث میان رشته‌ای فلسفه و روان شناسی است.

در قرن اخیر بحث فطرت بین متکلمان و فلاسفه ایران طرفدار زیادی داشته است و اساتیدی چون استاد مطهری، علامه طباطبایی، علامه جعفری و آیت الله جوادی آملی در تأیید فطری بودن بسیاری از آموزه‌های دینی کوشیده‌اند.

پژوهش‌های پیشین انجام شده عمدتاً یا به اصل نظریه از حیث نفی و اثبات پرداخته‌اند مثل کتاب فطرت شهید مطهری یا مقاله خداشناسی فطری دکتر قدردان قراملکی در نشریه تخصصی کلام یا کتاب بررسی آراء برخی شخصیت‌های خاص؛ مثل حکیم شاه‌آبادی، امام خمینی و شهید مطهری نوشته آقای اصغر خندان استاد دانشگاه امام صادق (ع). از حدود قرن ۵ اندیشمندان مسلمان کم کم به کشف رابطه فطرت با توحید و دیگر معارف پرداختند.

بزرگانی مثل اخوان الصفا، بوعلی، شیخ اشراق، غزالی، ملاصدرا بطور پراکنده نظریاتی در باب خداگرایی فطری و تربیت و فطرت و ... مطرح کرده‌اند. اما بنابر بررسی‌های انجام شده بطور خاص نظریه فطرت بر آراء آیت الله جوادی آملی بحثی است که تا به حال توجه ویژه‌ای به آن نشده و متأسفانه نظریات مهم این فیلسوف معاصر بزرگ در سایه دیگر فلاسفه گم شده است. بر آن شدیم نظریه فطرت در نگاه آیت الله جوادی آملی را در نوشتار خود مورد مذاقه و بررسی قرار دهیم. امید که مقبول درگاه باری تعالی قرار گیرد.

این نوشتار در چهار فصل تنظیم شده است که فصل اول مقدماتی در این باب نگارش شده است. در فصل دوم؛ کلیاتی در باب معانی مختلف فطرت، فطرت در قرآن و طبیعت، ملاک‌های فطری بودن، روش‌های شناخت امور فطری، برهان پذیر یا برهان ناپذیر بودن امور فطری، معیار تمیز در مقام اثبات،

خطاپذیر بودن فطرت، فطرت واحد انسان‌ها، ارتباط دین و فطرت و در ضمن آن نشانه‌های وحدت نوعی انسان و... بیان شده است.

بحث مهم دیگری که به آن توجه شده است که با توجه به نگاه آیت الله جوادی آملی نوشته شده است و البته تاحدی میان رشته‌ای است ویژگی‌های فطرت در قرآن می‌باشد. و در نهایت چگونگی دلالت گرایش فطری بر وجود خارجی متعلق آن بحث قابل توجهی است.

در فصل سوم بابی باز کرده‌ایم که سعی شده بحث دانش‌ها و گرایش‌های فطری در نگاه فیلسوف معاصر را کمی مدون کنیم. علوم فطری، تصورات و تصدیقات و توحید فطری زیر مجموعه دانش‌های فطری قرار می‌گیرد. و گرایش‌ها بمعنی فطری بودن معارف دین، گرایش به کمال مطلق و تبیین از راه محبت، و آیات فطرت و میثاق و نسیان مورد بررسی شده است. براهین اثبات وجود خدا و رسالت انبیا و معاد از اصول دینی است که در این نوشتار در حد امکان و مجال کمی که وجود داشته به آن پرداخته شده است. سوالاتی از قبیل فرق بین فطرت و قدرت، آیا عوامل و موانعی برای شکوفایی فطرت موجود است؟ هماهنگی قوانین به چه نحوی امکان پذیر می‌باشد و...، در این نوشتار به آن جواب داده شده است. بحث اثبات معاد به کمک نظریه فطرت در این نوشتار اشاره‌ای به آن شده است اما بسیار قابلیت بررسی دارد. مساله دیگری که مطلوب مقاله‌های بعدی می‌باشد و البته بحثی میان رشته‌ای است بحث فطرت به معنای علم پیشین و... می‌باشد در تطبیق با یافته‌های علم ژنتیک.

ساختار نظریه فطرت بر محور ذیل بنا می‌شود: اثبات فطرت، ویژگی‌های آن، سپس دانش‌ها و گرایش‌های فطری و نتایج منتج از مقدمات فطری.

با توجه به مطالب مطرح شده در نگاه آیت الله جوادی آملی به نتایج مختلفی از تبیین فطرت

رسیدیم. ایشان وجود فطرت را بدیهی و البته برهان بردار می‌دانند و بواسطه دلایل گوناگون فطرت را نه تنها اثبات کرده که معتقدند فطرت مجرد انسانی گرچه حادث است ولی از حدوث و عدم زمانی مبرا است و بین انسان‌های مختلف ثابت است به این معنی که انسان‌ها در حقیقت روح یکی هستند اما اراده و اختیار و رفتارشان آنان را از یکدیگر جدا می‌سازد و چنین نیست که خداوند در نهاد انسان‌ها در این باب تبعیض گذاشته باشد و بر این وحدت نوعی دلایل مختلف فلسفی و قرآنی ذکر می‌کنند. و از نظریات این فیلسوف ارزشمند بنظر می‌آید فطرت دارای مراتب گوناگون نیست و بعضی دانش‌ها و گرایش‌ها هستند که کلی می‌باشند و فطری همه بشریت.

ملاک فطری بودن در نگاه آیت الله جوادی ادراک بایدها و نبایدها به بدیهیات حکمت عملی است. ملاک فطری بودن مفاهیم یا قضایا در حکمت نظری اولی و بدیهی بودن آنهاست. اما در عقل عملی به آن است که انسان بالطبع گرایش به آن کارها دارد.

بحث بعدی ملاک‌ها سه روش شناخت امور فطری است. و معیار تمییز امور فطری از غیر فطری باید توجه کرد که در مقام اثبات سخن می‌رانیم یا مقام ثبوت.

برهان فطرت بخشی از واقعیت انسان را که حقیقت ذات اضافه دارای دو طرف اضافه است مورد استفاده قرار می‌دهد و از تحقق یکی از دو طرف به تحقق طرف دیگر استدلال می‌کند بین دو امر متضایف ضرورت برقرار است.

اوصاف و حالاتی که در برهان فطرت حد وسط قرار می‌گیرند اوصاف اضافی مختلفی می‌تواند باشد. قوام برهان فطرت به این است که محبوب حقیقی انسان هیچ یک از کمال‌های محدود و مقید دنیوی نیست. برهان فطرت از جهت کبرای خود مبتنی بر تضایف است بین امید یا محبت، تام است.

می‌بینیم که توحید امری فطری و همه فهم است و بر این ادعا شاهد بحث‌های زیادی بین آیات مختلف قرآن داریم. که البته فطرت از نظر عقل نیز بحثی است میان فلاسفه که در اصل نوشتار به آن توجه شده و از نگاه متفکران مورد بررسی قرار گرفته. در ادامه بحث توحید فطری و برهان بذیر بودن، بواسطه دو مقدمه وجود کمال مطلق خواهی در همه انسان‌ها و اینکه هرچه در نهاد یک نوع وجود داشته باشد برابر با مقتضای آن نیز در خارج موجود است، معاد به کمک فطرت ثابت می‌شود.

آیت الله جوادی آملی فیلسوف معاصر برآند تا بواسطه اثبات اصل فطرت و ویژگی‌های متعدد و همچنین تمییز آن با قدرت و عادت و رابطه فطرت با عدالت و ... وجود معاد، وجود مبداء الهی، رسالت انبیا و ... را اثبات کنند؛ و در آخر این پژوهش با توجه به اهمیت فطرت در شناخت خود، خدا و سعادت بشریت تعدادی از عوامل و موانع شکوفایی فطرت با محوریت نظرات آیت الله جوادی آملی را مطرح کردیم تا به حول قوه الهی یاری رسان هرچند کوچک در مسیر تعالی باشد انشاءالله.

در این نوشتار از منابع مختلفی بهره گرفته‌ایم. طبیعی است با توجه به تمرکز بحث بر روی نظریات آیت الله جوادی تمام نوشته‌های ایشان بررسی شده و مورد مذاقه قرار گرفته است و از کتبی مانند ادب فنای مقربان، ادب قضا در اسلام، انسان از آغاز تا انجام، تبیین براهین اثبات وجود خدا، انسان در قرآن، اسلام و محیط زیست ایشان بهره جسته‌ایم. البته کتاب الحکمه المتعالیه، خدا در اندیشه بشر جناب عبدالله نصری، شرح المقاصد، فطرت شهید مطهری، معارف قرآن آیت الله مصباح یزدی، فلاسفه بزرگ پروفیسور براین مگی و رساله دکتری تطور تاریخی نظریه فطرت در فلسفه و عرفان اسلامی جناب آقای محمد غفوری نژاد از جمله منابع مورد مطالعه و بررسی بوده‌اند.

واژگان کلیدی:

آیت الله جوادی آملی، تبیین فطرت از دیدگاه آیت الله جوادی آملی، فطرت